

ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در رویکرد گزارشگری یکپارچه

فرزین رضایی*^۱، محسن ترابیان^۲، فرشته مختاری^۳

۱- دانشیار گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

* farzin.rezaei@qiau.ac.ir

۲- استادیار گروه ریاضی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

۳- کارشناس ارشد حسابداری، واحد قزوین، موسسه آموزش عالی اسلامی کار، قزوین، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در رویکرد گزارشگری یکپارچه در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. با گسترش روزافزون نیازهای اطلاعاتی در خصوص عملیات واحدهای تجاری، به نظر می‌رسد که ارائه صورت‌های مالی به شکل سنتی نمی‌تواند پاسخگوی تمام نیازهای استفاده‌کنندگان باشد. در این راستا، مبحث نوینی در سطح جهانی با عنوان گزارشگری مالی یکپارچه مطرح شده است که در این پژوهش به بررسی ارائه اطلاعاتی در خصوص ویژگی‌های گزارشگری مالی یکپارچه، به لزوم گسترش چنین نوعی از گزارشگری مالی پرداخته شود. بدین منظور داده‌های موردنیاز از ۸۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ جمع‌آوری گردیده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود دارد. بین سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود دارد. بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود دارد. بین سودوزیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود دارد. بین سودوزیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: ارزش اطلاعات حسابداری، گزارشگری یکپارچه، سود خالص، ارزش بازار سهام، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

۱- مقدمه

گزارش جامع، چارچوب گزارشگری بین‌المللی که توسط شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی^۱ منتشر شد. چارچوب، که غیراجباری است، بیان می‌کند که "هدف اصلی گزارش یکپارچه این است که به سرمایه‌گذاران مالی سرمایه‌دهید که چگونه یک سازمان در طول زمان ارزش ایجاد می‌کند. مفهوم اساسی در چارچوب گزارشگری یکپارچه مدل سرمایه‌داری است که ایده‌ای درباره منابع و روابط مورد استفاده را فراهم می‌کند (ریچارد اسلاکا و یونس تسالوواتاسب، ۲۰۱۸). گزارش یکپارچه تبدیل به یک منطقه تحقیقاتی شده است (بک، دما و فرست، ۲۰۱۷). در واقع، از دیدگاه سرمایه‌گذاران با توجه به مفید بودن گزارش یکپارچه دست به تصمیم می‌گیرند. گزارش‌ها، نسبتاً کمی در مورد اینکه آیا ذینفعان در واقع از گزارش‌ها برای اطلاعات به تصمیم‌گیری خود استفاده می‌کنند، می‌دانیم. به همین ترتیب، خواستار تحقیق برای بررسی "استفاده و درک سودمندی گزارش‌های یکپارچه توسط ارائه‌دهندگان سرمایه" (روبوتام و لاک، ۲۰۱۶) در نهایت، (پترس و آلن، ۲۰۱۶) اظهار نظر می‌کنند، در حالی که تلاش‌های شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی برای توسعه را به رسمیت می‌شناسند چارچوبی برای گزارش دادن به ایجاد ارزش سوال باقی می‌ماند با این وجود، اگر شرکت‌ها چنین افشای اطلاعاتی درباره ارزش‌های بلندمدت ارائه دهند.

1 The International Integrated Reporting Council (IIRC)

سال های زیادی است که گزارشگری شرکت ها مورد انتقاد است. استانداردها گزارشگران همواره در تلاشند تا با افزایش استانداردها و مقررات، کیفیت گزارشگری را بهبود بخشند؛ اما تاکنون در این دنیای در حال تغییر به طور کامل موفق نبوده اند. یکی از دلایل اصلی موفق نشدن آنان، تنظیم جنبه های مختلف گزارشگری شرکت ها (گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری) به وسیله استانداردها گزارشگران مختلف و نبود هماهنگی کلی برای نحوه ارائه گزارش است (مرشدزاده و قربانی، ۱۳۹۶). هدف اصلی هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری، تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی است که باید در تهیه صورت های مالی اعمال شود. همچنین دستیابی به میزانی از قابلیت مقایسه نیز از اهداف استانداردهای بین المللی می باشد که به سرمایه گذاران در تصمیم گیری های هر دو آنان کمک کند (استفانو و همکاران، ۲۰۱۰). تغییرات مستمر در تجارت جهانی، شرایط رقابتی را برای شرکت ها ایجاد کرده است. این شرایط به همراه تغییر در قوانین و مقررات در مواجهه با بحران، شرکت ها را در چالش بزرگی قرار داده است. در نتیجه برای برطرف کردن این بحران، گزارشگری سنتی با چالشی روبرو است که توان پاسخ گفتن به آن را ندارد. در نتیجه در سال های اخیر تحولی در گزارشگری غیرمالی ایجاد شده است که تا حد زیادی در مسیر برطرف کردن نیازهای اطلاعاتی ذینفعان است. گزارشگری یکپارچه در نتیجه همین تحول ایجاد شده است (بابادی، ۱۳۹۶).

۱-۱- گزارشگری یکپارچه چیست؟

گزارشگری یکپارچه، در حقیقت اطلاعات با اهمیت و یکپارچه ای را در مورد استراتژی سازمان، حاکمیت سازمانی، عملکرد سازمان و چشم اندازی از آینده سازمان ارائه می نماید، به گونه ای که اطلاعات مذکور منعکس کننده زمینه های تجاری، اجتماعی و محیطی از عملیات سازمان خواهد بود. گزارشگری یکپارچه، نمایشی روشن و موجز از چگونگی مباشرت (مسئولیت جهانی) یک سازمان و چگونگی ایجاد و حفظ ارزش توسط آن را ارائه می دهد. اکثر تحقیقات در زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، بر سود حسابداری عنوان معیاری سود و زیانی تاکید داشته اند. سود حسابداری به عنوان منبعی از اطلاعات مورد توجه قرار دارد و توسط بسیاری از سرمایه گذاران و تحلیل گران در بازارهای مالی مورد استفاده قرار می گیرد، زیرا به آنها اجازه میدهد تصویری از عملکرد واقعی شرکت به دست آورند و به ارزش گذاری آنها کمک کند. بر مبنای حسابداری تعهدی ارزش شرکت ها تابعی از عملکرد آتی آنها است که با سود حسابداری تحقق یافته رابطه نزدیکی دارد (بن آید و ابود، ۲۰۰۶). در سال های اخیر مطالعه در زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری گسترش یافته و شامل ارزش دفتری سهام، به عنوان معیاری ترازنامه ای، علاوه بر سود حسابداری شده است (چن و همکاران، ۲۰۰۱). این گزارش در برگیرنده مطالب دقیق و شفاف از چگونگی ابعاد نظارتی شرکت و همچنین چگونگی ایجاد ارزش ثابت آن است. گزارشگری یکپارچه فرایند هماهنگ سازی اطلاعات مالی و غیر مالی در گزارش شرکت، جهت ارتباط با مفهوم گسترده ای از ارزش می باشد (کمیت بین المللی گزارشگری یکپارچه، ۲۰۱۱).

هدف از این مطالعه، توسعه و پیشبرد درک درستی ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در رویکرد گزارشگری یکپارچه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. بنابراین، از لحاظ کاربردی، اهداف این پژوهش به صورت زیر می باشد.

مشخص نمودن اینکه آیا متغیرهای سود خالص، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، سود و زیان و سود و زیان جامع و ارزش بازار شرکت را می توان با آزمودن روابط بین آن ها، ارتباط خطی و غیر خطی مثبت یا منفی پیدا کرد.

۲- بیان مسأله

گزارشات کنونی طولانی و در حال طولانی شدن نیز می باشند. اما بدلیل اینکه گزارشگری بصورت مجزا تکامل یافته است، عملکرد مالی و غیر مالی روشن نیستند. برای تأمین تقاضای روزافزون به اطلاعات وسیعی از بازار، تنظیم کنندگان و جامعه مدنی، یک چارچوبی مورد نیاز است که بتواند از بهبودهای گزارشگری آتی پشتیبانی کند که منعکس کننده این پیچیدگی روزافزون باشد. یک چنین چارچوبی نیاز دارد که رشته های مجزا موجود گزارشگری را به یک مجموعه منسجم و یکپارچه تبدیل نموده و شرح توانایی های سازمان جهت ایجاد ارزش در حال و آینده را ارائه دهد (هیات بین المللی گزارشگری یکپارچه، ۲۰۱۱).

۲-۱- ضرورت گزارشگری یکپارچه

از زمانیکه مدل گزارشگری تجاری موجود طراحی شد، تغییرات با اهمیتی، در روش اداره واحد اقتصادی، چگونگی ایجاد ارزش توسط شرکت و محیطی که شرکت در آن فعالیت می کند، اتفاق افتاده است. این تغییرات وابسته به هم بوده و منعکس کننده تمایلاتی از قبیل: جهانی سازی، رشد فعالیت سیاسی در اطراف جهان برای پاسخگویی مالی، نظارتی و سایر بحران ها، انتظارات افزایشی پاسخگویی و شفافیت شرکت ها، واقعیت ها و چشم اندازهای منابع کمیاب، رشد عمومی و نگرانی های محیطی.

۲-۲- عناصر گزارشگری یکپارچه

گزارش یکپارچه باید در برگزیده عوامل زیر باشد و همچنین این عوامل باید با یکدیگر دارای ارتباط داخلی باشند: مرور کلی سازمانی: به عبارتی آنچه که سازمان انجام می دهد و چگونگی ایجاد و نگهداری ارزش در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را بیان می کند. عملکرد بافتی، از جمله ریسک ها و فرصت های آن: به عبارتی چستی چرخه عملیات سازمان، شامل منابع و روابط کلیدی وابسته به آن و ریسک ها و فرصت های پیش رو را بیان می نماید. اتخاذ اهداف استراتژیک، به منظور دست یابی به این اهداف: این قسمت گزارش باید نمای آتی سازمان را بیان کند. نظارت و اعطای پاداش: ساختار نظارتی سازمان و اینکه چگونه نظارت از اهداف راهبردی سازمان پشتیبانی می کند و ارتباط بین رویکرد سازمان و پاداش ها را بیان می کند (کی پی ام جی ۱، ۲۰۱۱). عملکرد: این بخش سطح عملکرد موجود را، بعنوان مبنایی برای ارزیابی دستیابی مدیریت به اهداف استراتژیک و مبنایی برای درک چشم انداز آتی شرکت ارائه می دهد. چشم انداز آتی: فرصت ها، چالش ها و موقعیت نامعینی که در راه رسیدن به اهداف استراتژیک با آن مواجه می شود و چستی نتیجه عملکرد استراتژی ها و عملکرد آتی را بیان می کند.

۲-۳- ویژگی های گزارشگری یکپارچه

یک گزارش یکپارچه به سهامداران اجازه ارزیابی توانایی های سازمان را در ایجاد و تثبیت ارزش در دوره های کوتاه مدت، بلند مدت و میان مدت می دهد. از جمله مفاد این گزارش می توان به نکات زیر اشاره نمود: دستیابی مناسب به اطلاعات از طریق منابع گسترده داخلی و خارجی، به منظور بهبود ارزیابی و تحلیل بلندمدت و کوتاه مدت

جمع آوری خودکار و بهینه و مرور فرایندها و همچنین حذف سیستم مرورگری شفافیت بیشتر، بهره گیری مجدد و همکاری در گزارشات و تحلیل مفاهیم از طریق بهره گیری از تحلیلگران داخلی و خارجی

گزارشگری یکپارچه اطلاعات مالی و غیر مالی با اهمیت را در یک جا جمع آوری می کند. به طور ایده آل، این گزارش ارتباط بین این اطلاعات مالی و غیر مالی، و همچنین اگرچه غیر معمول است، اما رابطه بین شرکت های در سطوح بالا را نیز نشان می دهد.

۲-۴- ارزش اطلاعات حسابداری

فرانسیس و اسپچپر برای مطالعه درباره مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، چهار رویکرد زیر را تعریف نموده اند (فرانسیس و اسپچپر، ۱۹۹۹):

الف) نگرش تحلیل بنیادی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری (ب) نگرش قابلیت پیش بینی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری (ج) نگرش اطلاعاتی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری (د) نگرش اندازه گیری مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری

اولین رویکرد در مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، تحلیل بنیادی است که متضمن تعیین ارزش ذاتی سهام شرکت بدون مراجعه به قیمتی است که بر مبنای آن قیمت سهام در بازار سرمایه معامله شده است. طبق این رویکرد، اطلاعات

حسابداری از طریق ارزش های نهفته در خود، منجر به تغییر در روند قیمت های سهم مشابه و هم جهت با تغییرات قیمت های بازار می گردد. (باومن، ۱۹۹۶).

دومین تفسیر از واژه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، که عمدتاً در حوزه تحقیقات بنیادی جای دارد، ارزش هایی مربوط تلقی می شوند که بتوان آنها را در ارزیابی ارزش آتی شرکت و پیش بینی بازده سال های آتی استفاده نمود. بر این اساس، چنانچه اطلاعات صورتهای مالی به پیش بینی خصیصه های نهفته ارزش کمک نماید (که عمدتاً نشأت گرفته از تئوری های ارزش گذاری می باشند) به عنوان ارزش های مربوط مدنظر قرار می گیرد (فرانسیس و اسپچیر، ۱۹۹۹).

سومین تفسیر از واژه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری این است که اطلاعاتی به عنوان ارزش های مربوط محسوب می شوند که توسط سرمایه گذاران در قیمت گذاری سهام بکار گرفته شوند. با فرض این که بازار سرمایه از کارایی لازم برخوردار است، بررسی می شود که آیا سرمایه گذاران در تصمیمات سرمایه گذاری خود واقعا به این اطلاعات اتکا می کنند یا خیر. مطالعاتی که عموماً از این نگرش ایده می گیرند بر دوره های زمانی کوتاه مدت تمرکز دارند (بیور، ۱۹۹۸).

چهارمین رویکرد در مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با نگرش اندازه گیری در حسابداری سازگار است و بدان معنی است که حسابداری به عنوان ابزاری برای اندازه گیری قلمداد می شود. البته باید توجه داشت که در این رویکرد، بر خلاف رویکرد اطلاعاتی فرض بر این است که سرمایه گذاران از اطلاعات تحت بررسی به طور کامل بهره برداری ننموده و اطلاعات گردآوری شده، از منابع به هنگام کسب نمی شوند (دو مونیر و رافونیر، ۲۰۰۲).

۳- پیشینه تحقیق

حسابرسی صورتهای مالی و گزارش تناقضات موجود بین صورتهای مالی و سایر اطلاعات موجود در یک گزارش یکپارچه به کسانی تمرکز می کند که مسئول یک اداره نظارتی هستند. یک رویکرد یکپارچه به "تضمین" راه حل فوری برای ارائه حداقل برخی تضمین در مورد گزارش یکپارچه ارائه می دهد. این سازمان بر سیستم های مختلف کنترل و توازن تکیه دارد تا مدیران را با مبنایی برای پذیرش مسئولیت گزارش های یکپارچه سازمان خود تامین کند. در نهایت، یک مدل الهام گرفته از دلفی نگاهی به چگونگی تکامل خدمات تضمین در پاسخ به درخواست گزارش های یکپارچه برای اطمینان می دهد. این مدل متکی بر یک هیات از متخصصان است تا نظر خود را در مورد روش مورد استفاده برای تهیه گزارش های یکپارچه بیان کنند (وارن مارون، ۲۰۱۸).

با توجه به سودمندی تصمیم گیری و مقاومت به گزارشگری یکپارچه، بعنوان یک چارچوب گزارش دهی فراهم می کند. علی رغم حمایت سطح سازمانی برای گزارشگری یکپارچه، مصاحبه ها نشان می دهند که کارایی آن برای تامین سرمایه مدیران و تحلیلگران برابری پایین است. نگرانی ها در مورد طراحی چارچوب و ارتباط آن با موضوعات ساختاری بیشتر مربوط به فرهنگ بازار برابری مشهود است. مفهوم این امر این است که گزارشگری یکپارچه ممکن است به یک مد گزارش تبدیل شود، که در تفکر سرمایه گذاری اصلی گنجانده نشده است (ریچارد اسلاکا و یونس تسالوواتاسب، ۲۰۱۸).

گزارش یکپارچه نه فقط جمع آوری گزارشهای سالانه و پایداری است و باید یک سند مختصر باشد که به طور واضح ارتباط بین مؤلفه های عملکرد مالی و غیر مالی را به طور واضح توضیح می دهد (IIRC، ۲۰۱۳ و King، ۲۰۱۶).

گزارشدهی یکپارچه جدیدترین نوآوری گزارشگری سازمانی است که برای ارائه یک گزارش جامع در مورد چگونگی ایجاد یک ارزش در سازمان و مدیریت انواع مختلف سرمایه مالی و غیر مالی برای تولید بازده پایدار (شورای گزارشگری مجتمع بین المللی، ۲۰۱۶).

ارزیابی کسب و کار از جمله تجزیه و تحلیل تغییر خطرات، چشم انداز مهم و نحوه مدیریت مالی و غیر مالی برای به حداکثر رساندن ارزش و اطمینان از پایداری در آینده گزارش یکپارچه ذاتاً ذهنی است (اتکینز و مارون، ۲۰۱۶).

گام های بزرگی برای بهبود گزارشگری شرکت ها و پیاده سازی آن، توسط شورای بین المللی گزارشگری یکپارچه انجام شده است که می تواند نقطه شروع مناسبی باشد. کنسول بین المللی گزارشگری یکپارچه، ائتلافی جهانی از قانون گذاران، سرمایه گذاران، شرکت ها، استاندارد گذاران، حسابداران و سازمان های مردم نهاد است و هدف آن ایجاد تفکر یکپارچه و گزارشگری یکپارچه درون سازمان هاست. این کنسول به دنبال ایجاد دنیایی است که در آن گزارشگری یکپارچه در جریان اصلی

رویه های سازمان ها، نهادینه شود. بدین منظور چارچوب بین المللی گزارشگری یکپارچه ۱ توسط این کنسول منتشر گردید (انجمن حسابداران خبره افریقای جنوبی، ۲۰۱۵).

تقریباً چند دهه است که مسئله ای با عنوان هماهنگ سازی حسابداری در سطح جهانی مطرح شده است. هماهنگ سازی حسابداری به فرآیندی اشاره دارد که تلاش می کند تا حسابداری کشورهای مختلف تا حد ممکن مشابه شوند (اسکندری، ۱۳۹۳).

استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی نسبت به استانداردهای ملی، دقت و جامعیت بیشتری دارد (فروغی، ۱۳۸۸). از مزایای مهم استفاده از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی می توان به افزایش قابلیت مقایسه، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، صرفه جویی در زمان و هزینه اشاره کرد. رشد تجارت بین المللی و جریان های سرمایه و پیوستگی اقتصادی فزاینده طی ده های اخیر، منجر به تمایل هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری در میان کشورها شده است، در نتیجه تعداد زیادی از کشورها استفاده از استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی حسابداری را پذیرفته اند.

هم اکنون بیش از ۱۰۰ کشور استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی را به طور کامل پذیرفته اند یا اینکه استفاده از آن را مجاز شناخته اند. سازمان های بین المللی، برای ارزیابی پروژه ها و اعطای وام، بورس های خارجی برای درک بهتر از صورتهای مالی کشورهای مختلف و امکان مقایسه آن ها بدون صرف هزینه و زمان زیاد به معیار مشترک و هماهنگ نیاز دارند که استانداردهای بین المللی توانسته است این نیاز را تأمین کند و عملاً تبدیل به زبان مشترک گزارشگری مالی شود (رحمانی و علیپور، ۱۳۸۹). هماهنگ سازی رویه های حسابداری نخست در درون کشورها و با وضع استانداردهای حسابداری ملی آغاز شد، پس از آن با رشد بازارها و افزایش مبادلات بین المللی کالا، خدمات و سرمایه، موضوع همسانی گزارشگری حسابداری در سطح بین المللی نیز مطرح شد (رحمانی و علیپور، ۱۳۸۹).

۴- فرضیات پژوهش

- فرضیه اول: بین سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معنا داری وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط غیر خطی معنا داری وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معنا داری وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط غیر خطی معنا داری وجود دارد.
- فرضیه پنجم: بین سودوزیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معنا داری وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین سودوزیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط غیر خطی معنا داری وجود دارد.

نگاره شماره ۱. متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نوع متغیر	نماد	محاسبه
ارزش بازار سهام	وابسته	Ln(mv)	ارزش بازار سهام: mv
سود خالص	مستقل	EPS	مستخرجه از صورت سود و زیان: EPS
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	مستقل	BE	ارزش دفتری حقوق صاحبان: BVE سهام مستخرجه از ترازنامه
سودوزیان جامع	مستقل	CEPS	مستخرجه از صورت سود و زیان: CEPS جامع
بازده حقوق صاحبان سهام	کنترلی	ROE	ROE=EBIT/TE سود قبل از کسر بهره و مالیات: EBIT جمع حقوق صاحبان سهام: TE
اندازه شرکت	کنترلی	SIZE	لگاریتم جمع دارایی ها Size=ln(TA)
زیان	کنترلی	LOSS	LOSS=IF(LOSS=1) LOSS=IF(LOSS=0)

1 The International Integrated Reporting Framework (IR)

2 The South African Institute of Chartered Accountants (SAICA), February 2015.

$LEV = \frac{TD}{TA}$	LEV	کنترلی	بدهی
جمع بدهی ها: TD			
جمع دارایی ها: TA			

منبع: یافته های پژوهش

۵- روش شناسی تحقیق

روش پژوهش این تحقیق از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است، که با استفاده از داده های ثانویه مستخرج از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تحلیل رابطه ی همبستگی می پردازد. انجام این پژوهش در چهارچوب استدلال قیاسی استقرایی صورت خواهد گرفت. علت استفاده از روش همبستگی کشف روابط همبستگی بین متغیرها است. تحقیق همبستگی یکی از انواع تحقیقات توصیفی است. در پژوهش حاضر ابتدا همبستگی بین متغیرهای پژوهش را مورد آزمون قرار داده و در صورت وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش اقدام به برآورد مدل های رگرسیونی چندگانه خواهیم نمود. از سوی دیگر پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی (نیمه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی (صورت های مالی شرکت ها) انجام می گیرد. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه ای کتابخانه ای و تحلیلی علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی نیز میباشد.

نگاره شماره ۲. روش غربالگری

۵۱۲	کل شرکت ها تا پایان سال ۱۳۹۵
(۱۸۷)	شرکت های غیرفعال
(۲۴۴)	شرکت های سرمایه گذاری، بیمه، بانکها و هلدینگ، شرکت های زیانده (بیش از سه سال) و اطلاعات سایر شرکت ها که در دسترس نبود
۸۱	نمونه غربالگری شده

منبع: یافته های پژوهش

نمونه شماره ۳. آمار ت و ویژگی های پویایی

شرح متغیر	نماد متغیر	مشاهدات	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
ارزش بازار سهام	LNM (V)	۹۰۲	۲۳/۵۸۰	۲۲/۶۱۷	۲۷/۷۷۷	۱/۷۱۱	۰/۶۳۲	۳/۴۱۱
سود خالص	EPS	۹۰۲	-۴۸۱۸,۷۵۴	۱۵,۷۶۰,۵۱۲	۳۶۸,۵۵۸/۱	۱,۴۸۱,۵۶۰	۶۱,۰۸۲	۵۳/۴۵۲
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	BVE	۹۰۲	۱۱,۶۳۳,۰۱۰	۴۱,۴۰۷,۰۸۱	۱,۱۴۵,۰۱۱	۳,۱۸۴,۰۳۶	۵/۵۵۱	۴۱/۱۳۹
سود و زیان جامع	CSPE	۹۰۲	-۱۶,۷۷۲,۱۹۵	۷,۵۱۸,۱۲۴	۱۰۱,۳۳۸,۹۵	۱,۱۶۹,۶۳۷	-۶/۳۷۴	۸۹/۶۶۲
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۹۰۲	۱/۵۶۲	۷,۲۶۹	۲۱/۳۸۶	۱/۵۳	۲۶/۳۰۷	۱/۸۴۶
اندازه شرکت	SIZE	۹۰۲	۱۰,۵۶۲	۱۴,۲۷۳	۱۱,۹۷۱	۰/۶۴۰	۰/۵۵۴	۴۱,۰۸۱

زیان	LOS S	۰.۰۲	۰	۱	۰.۰۸۷	۰	۰.۱۶۸	۰	۰.۰۹۵	۱.۰
اهرم مالی	LEV	۰.۰۲	۰.۰۹۰	۱/۸۱۰	۰.۰۶۱۶	۰.۰۲۱۴	۰.۵۳۴	۰.۰۹۵	۰.۰۹۵	۵.۳۸۳

منبع: یافته های پژوهش

همانطور که در نگاره شماره ۳ مشاهده می شود آماره های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، کمینه و بیشینه می باشد که معروف ترین و در عین حال پر مصرف ترین شاخص های آمار توصیفی اند. میانگین، متوسط داده ها را نشان می دهد. چولگی و کشیدگی شاخص تقارن داده ها و نشان دهنده وضعیت آنها نسبت به توزیع نرمال است. با توجه به مطالب مذکور و با نگاهی به نگاره شماره ۳، در بین متغیرها ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام دارای بالاترین میانگین و زیان با مقدار ۰.۰۷۷ دارای کمترین میانگین می باشد.

۶- برآورد مدل ها (آزمون فرضیه)

۶-۱- آزمون فرضیه اول

نتایج نگاره شماره ۴ نشان می دهد که ضریب متغیر سود خالص بر ارزش بازار سهام برای شرکت های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0.05$). بنابراین بین سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود ندارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون سود خالص می توان نتیجه گرفت که سود خالص با ارزش بازار سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (خطی) معناداری دارد. هم چنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد پس می توان نتیجه گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به این که مقدار F بدست آمده از مقدار جدولی آن بزرگتر است بنابراین معنی داری کل رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می شود ($p < 0.05$). مقدار ضریب تعیین برای شرکت های مورد مطالعه (۰/۳۰۴) نیز بیانگر این است که نزدیک به ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (ارزش بازار سهام) به وسیله متغیر مستقل سود خالص و متغیرهای کنترلی بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی توضیح داده می شود. بر اساس نتایج بدست آمده، می توان نحوه اثرگذاری سود خالص بر ارزش بازار سهام در شرکت های مورد مطالعه را به صورت زیر نوشت:

$$Ln(mv)_{it} = 27.937 + 2.056EPS_{it} + 0.237ROE_{it} + 0.083Size_{it} - 0.095Loss_{it} + 1.094Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره ۴. نتایج برآورد مدل اول به روش اثرات تصادفی

متغیر وابسته: لگاریتم ارزش بازار سهام، تعداد دوره: ۱۱، تعداد تقاطع: ۸۲، تعداد ترکیب موزون: ۹۰۲				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار p
مقدار ثابت	۲۷/۹۳۷	۲/۸۳۷	۹/۸۴۸	۰/۰۰۰۰
سود خالص	۲/۰۵۶	۰/۶۱۷	۳/۳۳۵	۰/۰۲۴۷
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۲۳۷	۰/۰۸۰	۲/۹۴۷	۰/۰۰۹۱
اندازه شرکت	۰/۰۸۳	۰/۰۲۲	۳/۳۱۰	۰/۰۳۸۱
زیان	-۰/۰۹۵	۰/۰۲۲	-۴/۳۸۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۱/۰۹۴	۰/۴۴۳	۲/۴۷۲	۰/۰۱۳۷
آماره دوربین-	۱/۹۹۵			۰/۰۰۰
واتسون	۴/۲۱۲			
آماره F	۰/۳۰۴			

		ضریب تعیین تعدیل شده
--	--	----------------------

منبع: یافته های پژوهش

۶-۲-آزمون فرضیه دوم

نتایج نگاره شماره ۵ نشان می دهد که ضریب متغیر سود خالص و توان دوم سودخالص بر ارزش بازار سهام برای شرکت های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0/05$). بنابراین بین سود خالص و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود ندارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون سود خالص و توان دوم سود خالص می توان نتیجه گرفت که سود خالص و توان دوم سود خالص با ارزش بازار سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (غیر خطی) معناداری دارد. بنابراین فرضیه دوم مورد تایید می باشد. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد پس می توان نتیجه گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به این که مقدار F بدست آمده از مقدار جدولی آن بزرگتر است بنابراین معنی داری کل رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می شود ($p < 0/05$). مقدار ضریب تعیین برای شرکت های مورد مطالعه (۰/۴۰۳) نیز بیانگر این است که نزدیک به ۴۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (ارزش بازار سهام) به وسیله متغیر مستقل سود خالص و توان دوم سود خالص و متغیرهای کنترلی بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی توضیح داده می شود. بر اساس نتایج بدست آمده، می توان نحوه اثرگذاری سود خالص و توان دوم سود خالص بر ارزش بازار سهام در شرکت های مورد مطالعه را به صورت زیر نوشت:

$$\ln(mv)_{it} = 27.894 + 1.114EPS_{it} + 2.771(EPS_{it})^2 + 0.284ROE_{it} + 0.067Size_{it} - 0.108Loss_{it} + 1.070Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره ۵. نتایج برآورد مدل دوم به روش اثرات تصادفی

متغیر وابسته: لگاریتم ارزش بازار سهام، تعداد دوره: ۱۱، تعداد تقاطع: ۸۲، تعداد ترکیب موزون: ۹۰۲				
مقدار p	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰۰	۹/۸۱۸	۲/۸۴۱	۲۷/۸۹۴	مقدار ثابت
۰/۰۴۱۰	۲/۰۴۶	۰/۵۴۴	۱/۱۱۴	سود خالص
۰/۰۲۴۶	۲/۳۴۷	۱/۱۸۱	۲/۷۷۱	(سود خالص)²
۰/۰۰۰۰	۳/۹۹۹	۰/۰۷۱	۰/۲۸۴	بازده حقوق صاحبان سهام
۰/۰۰۰۰	۴/۲۸۷	۰/۰۱۶	۰/۰۶۷	اندازه شرکت
۰/۰۲۵۸	-۲/۴۳۶	۰/۰۴۴	-۰/۱۰۸	زیان
۰/۰۱۷۳	۲/۳۸۵	۰/۴۴۸	۱/۰۷۰	اهرم مالی
۰/۰۰۰۰			۱/۹۹۶	آماره دوربین - واتسون
			۷/۱۸۶	آماره F
			۰/۴۰۳	ضریب تعیین تعدیل شده

منبع: یافته های پژوهش

۶-۳-آزمون فرضیه سوم

نتایج نگاره شماره ۶ نشان می دهد که ضریب متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار سهام برای شرکت های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0/05$). بنابراین بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود ندارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

می‌توان نتیجه گرفت که ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (خطی) معناداری دارد. بنابراین فرضیه سوم مورد تایید می‌باشد. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به این که مقدار F بدست آمده از مقدار جدولی آن بزرگتر است بنابراین معنی‌داری کل رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می‌شود ($p < 0/05$). مقدار ضریب تعیین برای شرکت‌های مورد مطالعه (۰/۲۷۴) نیز بیانگر این است که نزدیک به ۲۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (ارزش بازار سهام) به وسیله متغیر مستقل ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و متغیرهای کنترلی بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی توضیح داده می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده، می‌توان نحوه اثرگذاری ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار سهام در شرکت‌های مورد مطالعه را به صورت زیر نوشت:

$$Ln(mv)_{it} = 27.926 + 2.456BVE_{it} + 0.345ROE_{it} + 0.071Size_{it} - 0.095Loss_{it} + 1.086Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره ۶. نتایج برآورد مدل سوم به روش اثرات تصادفی

متغیر وابسته: لگاریتم ارزش بازار سهام، تعداد دوره: ۱۱، تعداد تقاطع: ۸۲، تعداد ترکیب موزون: ۹۰۲				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار p
مقدار ثابت	۲۷/۹۲۶	۲/۹۹۶	۹/۳۱۹	۰/۰۰۰۰
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۲/۴۵۶	۲/۱۳۷	۲/۱۶۰	۰/۰۴۰۵
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۳۴۵	۰/۰۸۸	۳/۹۸۲	۰/۰۰۰۱
اندازه شرکت	-۰/۰۹۵	۰/۰۲۲	۳/۲۸۶	۰/۰۰۴۸
زیان	۱/۰۸۶	۰/۰۴۰	-۲/۳۹۰	۰/۰۲۶۲
اهرم مالی	۰/۴۴۲	۰/۴۴۲	۲/۴۵۷	۰/۰۱۴۲
آماره دوربین - واتسون	۱/۹۹۵			۰/۰۰۰
آماره F	۳/۲۱۱			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۷۴			

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۶- آزمون فرضیه چهارم

نتایج نگاره شماره ۷ نشان می‌دهد که ضریب متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و توان دوم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار سهام برای شرکت‌های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0/05$). بنابراین بین ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود ندارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و توان دوم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می‌توان نتیجه گرفت که ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و توان دوم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (غیر خطی) معناداری دارد. بنابراین فرضیه چهارم مورد تایید می‌باشد. همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به این که مقدار F بدست آمده از مقدار جدولی آن بزرگتر است بنابراین معنی‌داری کل رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می‌شود ($p < 0/05$). مقدار ضریب تعیین برای شرکت‌های مورد مطالعه (۰/۲۵۹) نیز بیانگر این است که نزدیک به ۲۶ درصد تغییرات متغیر وابسته (ارزش بازار سهام) به وسیله متغیرهای مستقل ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و توان دوم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و متغیرهای کنترلی بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی توضیح داده می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده، می‌توان نحوه اثرگذاری ارزش دفتری

حقوق صاحبان سهام و توان دوم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار سهام در شرکت‌های مورد مطالعه را به صورت زیر نوشت:

$$\ln(mv)_{it} = 27.586 + 0.674BVE_{it} + 1.322(BVE_{it})^2 + 0.302ROE_{it} + 0.039Size_{it} - 0.098Loss_{it} + 1.055Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره شماره ۷. نتایج برآورد مدل چهارم به روش اثرات تصادفی

متغیر وابسته: لگاریتم ارزش بازار سهام، تعداد دوره: ۱۱، تعداد تقاطع: ۸۲، تعداد ترکیب موزون: ۹۰۲				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار p
مقدار ثابت	۲۷/۵۸۶	۳/۱۱۶	۸/۸۵۳	۰/۰۰۰۰
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۶۷۴	۰/۲۰۰	۳/۳۶۹	۰/۰۰۰۱
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ^۲	۱/۳۲۲	۰/۳۸۹	۳/۴۰۰	۰/۰۰۰۱
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۳۰۲	۰/۱۴۹	۲/۰۲۲	۰/۰۴۹۳
اندازه شرکت	۰/۰۳۹	۰/۰۱۷	۲/۳۲۰	۰/۰۲۰۵
زیان	-۰/۰۹۸	۰/۰۲۲	۴/۴۰۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۱/۰۵۵	۰/۴۴۹	۲/۳۵۲	۰/۰۱۸۹
آماره دوربین - واتسون	۱/۹۹۶			۰/۰۰۰
آماره F	۶/۱۸۵			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۵۹			

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۶- آزمون فرضیه پنجم

نتایج نگاره شماره ۸ نشان می‌دهد که ضریب متغیر سود و زیان جامع بر ارزش بازار سهام برای شرکت‌های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0.05$). بنابراین بین سود و زیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط خطی معناداری وجود ندارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون سود و زیان جامع می‌توان نتیجه گرفت که سود و زیان جامع با ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (خطی) معناداری دارد. بنابراین فرضیه پنجم مورد تایید می‌باشد. هم‌چنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به این که مقدار F بدست آمده از مقدار جدولی آن بزرگتر است بنابراین معنی‌داری کل رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می‌شود ($p < 0.05$). مقدار ضریب تعیین برای شرکت‌های مورد مطالعه (۰/۴۴۸) نیز بیانگر این است که نزدیک به ۴۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (ارزش بازار سهام) به وسیله متغیر مستقل سود و زیان جامع و متغیرهای کنترلی بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی توضیح داده می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده، می‌توان نحوه اثرگذاری سود و زیان جامع بر ارزش بازار سهام در شرکت‌های مورد مطالعه را به صورت زیر نوشت:

$$\ln(mv)_{it} = 27.68 + 0.485CEPS_{it} + 0.176ROE_{it} + 0.12Size_{it} - 0.24Loss_{it} + 0.89Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره ۸. نتایج برآورد مدل پنجم به روش اثرات تصادفی

متغیر وابسته: لگاریتم ارزش بازار سهام، تعداد دوره: ۱۱، تعداد تقاطع: ۸۲، تعداد ترکیب موزون: ۹۰۲				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار p
مقدار ثابت	۲۸/۶۷۸	۳/۱۳۰	۹/۱۶۲	۰/۰۰۰۰
سود و زیان جامع	۰/۴۸۵	۰/۱۳۳	۲/۳۶۲	۰/۰۰۰۱
بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۱۷۶	۰/۰۷۵	۲/۰۴۶	۰/۰۱۸۳
اندازه شرکت	۰/۱۲۵	۰/۰۶۱	۲/۵۳۸	۰/۰۴۱۰
زیان	-۰/۲۴۳	۰/۱۰۹	۲/۲۲۴	۰/۰۳۷۹
اهرم مالی	۰/۸۹۳	۰/۳۱۱	۲/۸۷۶	۰/۰۱۱۸
آماره دوربین - واتسون	۲/۰۴۹			۰/۰۰۰
آماره F	۵/۲۱۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۴۸			

منبع: یافته های پژوهش

۶-۶-آزمون فرضیه ششم

نتایج نگاره شماره ۹ نشان می‌دهد که ضریب متغیر سود و زیان جامع و توان دوم سود و زیان جامع بر ارزش بازار سهام برای شرکت‌های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0.05$). بنابراین بین سود و زیان جامع و ارزش بازار سهام ارتباط غیرخطی معناداری وجود ندارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون سود و زیان جامع و توان دوم سود و زیان جامع می‌توان نتیجه گرفت که سود و زیان جامع و توان دوم سود و زیان جامع با ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (غیر خطی) معناداری دارد. بنابراین فرضیه ششم مورد تایید می‌باشد. هم‌چنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به این که مقدار F بدست آمده از مقدار جدولی آن بزرگتر است بنابراین معنی‌داری کل رگرسیون در سطح معناداری ۰/۰۵ رد می‌شود ($p < 0.05$). مقدار ضریب تعیین برای شرکت‌های مورد مطالعه (۰/۵۰۶) نیز بیانگر این است که نزدیک به ۵۱ درصد تغییرات متغیر وابسته (ارزش بازار سهام) به وسیله متغیرهای مستقل سود و زیان جامع و توان دوم سود و زیان جامع و متغیرهای کنترلی بازده حقوق صاحبان سهام، اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی توضیح داده می‌شود. بر اساس نتایج بدست آمده، می‌توان نحوه اثرگذاری سود و زیان جامع و توان دوم سود و زیان جامع بر ارزش بازار سهام در شرکت‌های مورد مطالعه را به صورت زیر نوشت:

$$\ln(mv)_{it} = 27.02 + 0.16CEPS_{it} + 1.39(CEPS_{it})^2 + 0.24ROE_{it} + 0.15Size_{it} - 0.30Loss_{it} + 0.85Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نگاره شماره ۹. نتایج برآورد مدل ششم به روش اثرات تصادفی

متغیر وابسته: لگاریتم ارزش بازار سهام، تعداد دوره: ۱۱، تعداد تقاطع: ۸۲، تعداد ترکیب موزون: ۹۰۲				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	مقدار p

۰/۰۰۰۰	۹/۲۶۶	۳/۱۳۲	۲۹/۰۲۳	مقدار ثابت
۰/۰۳۸۱	۲/۰۷۶	۰/۰۷۸	۰/۱۶۱	سود و زیان جامع
۰/۰۰۰۰	۴/۳۰۱	۰/۳۲۲	۱/۳۸۷	(سود و زیان جامع) ^۲
۰/۰۰۰۱	۳/۳۲۴	۰/۰۷۴	۰/۲۴۵	بازده حقوق صاحبان سهام
۰/۰۱۰۹	۲/۵۷۸	۰/۰۶۰	۰/۱۵۴	اندازه شرکت
۰/۰۲۶۲	-۲/۳۲۹	۰/۱۲۷	-۰/۲۹۶	زیان
۰/۰۰۰۱	۳/۸۱۴	۰/۲۲۲	۰/۸۴۸	اهرم مالی
۰/۰۰۰			۲/۰۵۸	آماره دوربین - واتسون
			۴/۲۱۸	آماره F
			۰/۵۰۶	ضریب تعیین تعدیل شده

منبع: یافته‌های پژوهش

جمع بندی و پیشنهادات

چارچوب گزارشگری یکپارچه به عنوان نیازهای ارائه دهندگان سرمایه مالی که به عنوان اصلی ترین گروه کاربر تشکیل شده بود مطرح شد. علاوه بر این، گزارشگری یکپارچه تمایل به تبدیل شدن به عادت گزارشگری شرکتی و نهادینه شدن به تفکر و تصمیم گیری سرمایه گذاری داشت. با انجام این کار، تلاش کرده است تا حسابداری و تمرکز آن بر گزارش مالی با نیاز به ادغام بیشتر تمام جنبه های کسب و کار در گزارش را مورد بررسی قرار دهد. با این وجود، چارچوب خود را محدود می کند، زیرا تمرکز بر نیازهای تامین کنندگان سرمایه مالی، که به طور سنتی نقش اصلی پارادایم گزارشگری مالی در حال حاضر را تشکیل می دهد (بارکر و کاسیم، ۲۰۱۶).

گزارشگری یکپارچه مستقیماً به ادبیات در حال توسعه در زمینه گزارش های یکپارچه کمک می کند که نخستین نوع آن است تا شواهد حقیقی از تقاضای و تصمیم گیری سودمند از سرمایه گذاران اصلی سهام را ارائه نماید. بینش های مربوطه بیشتر به بحث در مورد تصمیم گیری سودمندی افشای داوطلبانه در حسابداری صورت می گیرد. چارچوب گزارشگری یکپارچه ادغام مسائل مالی و غیر مالی مربوط می شود و در آن قرار دارد. مسلماً، ماهیت اجباری رژیم گزارشگری است که سودمندی تصمیم گیری را افزایش می دهد. به طوری که کاربرد وسیع آن در تصمیم گیری های صحیح توسط سرمایه گذاران جریان اصلی تحقق نمی یابد. تجدید نظر در گزارشگری یکپارچه باعث ایجاد ارزش دراز مدت برای ادغام آن در تفکر سرمایه گذاری همچنان ادامه دارد.

توسعه گزارشگری یکپارچه برای ترقی و تحکیم عملیات گزارشگری موجود بواسطه همکاری، هم فکری و آزمایش طراحی شده است. کمیته ی بین المللی گزارشگری مالی یکپارچه برنامه دارد تا به سمت چارچوب گزارشگری که اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی ارزش شرکت در قرن ۲۱ را تأمین کند حرکت کند. لذا در ادامه مسیر گزارشگری مالی یکپارچه، یک دوره گذار وجود خواهد داشت، که در آن برخی از حوزه ها الزامات گزارشگری یکپارچه را قبل از سایرین تدوین می کنند. هنگامی که سرمایه گذاران ارزش شرکت را بر اساس داده های حسابداری تعیین می کنند، در نظر گرفتن انتظارات سرمایه گذاران از رشد شرکت، ضروری است. گزارشگری مالی از طریق افشای شفاف اطلاعات مالی شرکتها می تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده، تخصیص بهینه منابع و کارایی عملکرد شرکت را در پی داشته باشد. ایفای این نقش حسابداری به توسعه اقتصادی نیز کمک میکند. یکی از عناصر کلیدی گزارشهای مالی، سود خالص است. سود خالص گزارش شده در صورتهای مالی، یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد واحد تجاری تلقی میگردد که همواره مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده کنندگان مانند سرمایه گذاران، سهامداران، مدیران مالی، تحلیلگران بازار سهام و میزان مالیاتی قرار میگیرد.

بنابراین با توجه به تمامی موارد فوق، از لحاظ نظری وجود رابطه بین متغیرهای سود خالص، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، سود و زیان و سود و زیان جامع با ارزش بازار شرکت ها منطقی و علمی به نظر می رسد و کلیه فرضیات بیان شده مورد تایید می باشند.

در نهایت دریافته ایم که در یک رویکرد گزارشگری یکپارچه، نسبت ارزش سود در شرکت هایی که عملکرد پایداری بالایی دارند، به میزان قابل توجهی بالاتر است، در حالی که نسبت ارزش سهام ارزش سهام و ارزش بازار به طور منفی با عملکرد پایدار

نسبتا بالا تاثیر می گذارد. از این یافته ها می توان سه نتیجه مهم را بدست آورد. اول، شبیه به (سینکین و همکاران، ۲۰۰۸) و تا حدودی، (میشلون و همکاران، ۲۰۱۳) عملکرد پایداری به طور مثبت با ارزش بازار ارتباط دارد. دوم، نتایج تحت رویکرد گزارشگری یکپارچه، اطلاعات مالی و غیر مالی به تعامل خواهد انجامید. هر دو مقیاس حسابداری خلاصه به طور قابل توجهی با عملکرد پایدار ارتباط برقرار می کنند. سوم، این واقعیت که تست تعامل بین اطلاعات حسابداری خلاصه و اطلاعات عملکرد پایداری نتایج مشابهی را در مورد تست اصلی ما به دست می دهد، می تواند به نتایج اصلی ما که قبلا مورد بحث بوده، حمایت کننده باشد. به طور خلاصه، پس از ادغام اجباری اطلاعات مالی و پایداری در یک گزارش، ما شاهد تغییرات چشمگیر در ارزیابی بازار اطلاعات حسابداری خلاصه هستیم. ما بر این باوریم که یافته های ما علاقه خاصی به طیف گسترده ای از مخاطبان، از جمله مقامات بازار سرمایه در سراسر جهان، و همچنین استانداردهای بین المللی حسابداران رسمی و استانداردهای حسابداری مانند هیئت استانداردهای حسابداری بین المللی است.

پیشنهاد های مبتنی بر نتایج تحقیق

بر اساس این یافته ها، ما پیشنهاد می کنیم که تا حدی که رویکرد گزارش جدید شرکت کنندگان بازار را قادر به شناسایی یا اندازه گیری مطمئن تر از ریسک های فعلی و آتی شرکت مرتبط با پایداری یا مسائل مالی، کاهش مربوط به ارزش خالص دارایی های خالص ممکن است به این افشای ریسک نسبت دهد. با این حال، باید اشاره کرد که علیرغم علت آن، کاهش ارزش دارایی های خالص می تواند به عنوان یک استدلال بیشتر به نفع موضع برای تخصیص اهمیت برابر به طیف گسترده ای از " سرمایه " مانند سرمایه انسانی، اجتماعی و طبیعی باشد.

یافته های ما حاکی از تغییر در ارتباط ارزش با ویژگی های دایمی است که به نفع اهداف بلند مدت برای تغییر مدل کسب و کار جاری از طریق تغییر در گزارش شرکت است.

پیشنهاد هایی برای تحقیق های آتی

دیدگاه شبکه ارتباطی سرمایه گذاران در مورد روش های ارائه اطمینان بخش و ویژگی های اندازه گیری خاص در زمینه گزارشگری یکپارچه که ممکن است به برآورده شدن تقاضای بازار سهام برای چنین اطلاعاتی کمک کند، کشف کند. استفاده از گزارشگری یکپارچه توسط سرمایه گذاران سهام در سایر بازارهای سرمایه بین المللی و نیز ارائه دهندگان وسیع مالی از جمله بدهی های شرکت ها، بررسی می شود.

منابع

۱. اکبری، حسین؛ بررسی ارتباط بین سود و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با ارزش بازار سهام عادی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۵.
۲. ایزدی، صعوف؛ بررسی تاثیر اندازه شرکت و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و اثر شتاب بر بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۹.
۳. بابادی، کامران و فخاری، حسین؛ مطالعه عوامل مؤثر بر میزان افشای اطلاعات گزارشگری یکپارچه در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۶.
۴. حقیقت، حمید و علوی و سید مصطفی؛ بررسی رابطه بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۲.
۵. حمدی، کریم؛ مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری و عوامل تأثیرگذار بر آن، ۱۳۹۲.
۶. رسولی، حبیب اله؛ بررسی رابطه بین متغیرهای حسابداری و ارزش بازار سهام شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس تهران، ۱۳۸۸.
۷. رسولی، حبیب اله؛ بررسی رابطه بین متغیرهای حسابداری و ارزش بازار سهام شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس تهران، ۱۳۸۸.
۸. صفاجو، محسن؛ بررسی ارتباط بین سود و ارزش دفتری با ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۲.

۹. طحان جلالی، بهروز و علی مرادی، محمد؛ استانداردگذاری یکپارچه برای گزارشگری مالی، ۱۳۹۵.
۱۰. عموشاهی علیرضا؛ بررسی محتوای اطلاعاتی (سود) زیان) جامع و سود) زیان) خالص هر سهم در ارتباط با بازده و قیمت اوراق بهادار، ۱۳۹۳.
۱۱. لشگری، زهرا و نوروزی، ناد؛ ارتباط بین تغییرات اقلام ترازنامه، سود و زیان و حجم مبادلات با بازده سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. مرشدزاده، مهناز و قربانی، محمود؛ تفکر یکپارچه؛ گزارشگری یکپارچه، ۱۳۹۶.
۱۳. مرشدزاده، مهناز و قربانی، محمود؛ چارچوب بین المللی گزارشگری یکپارچه، ۱۳۹۱.
۱۴. مهم، کیهان و حیدری، محمدرضا؛ رشد سرمایه گذاری و رابطه بین ارزش بازار سهام، سود، و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، ۱۳۹۳.
۱۵. مهدوی، غلامحسین و جمالیان، پور مظفر؛ بررسی عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۹.
۱۶. نوجوان، مهناز، سعادت نیا، محمد و سیدی، سید احمد؛ یکپارچه سازی سیستم گزارشگری مالی و وضعیت آن در ایران، ۱۳۹۴.
۱۷. نوروش، ایرج و سعیدی، علی؛ بررسی برتری سود جامع نسبت به سود خالص برای ارزیابی عملکرد شرکت، ۱۳۸۴.
۱۸. نوروش، ایرج؛ بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تعداد حسابداران آموزش دیده در واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. ودیعی، محمد حسین، خلیلیان موحد، علی هزارخانی، سید اسماعیل و توسلی فدیه، فاطمه؛ بررسی آخرین تحولات گزارشگری مالی یکپارچه، ۱۳۹۲.
20. Athanasios Pavlopoulos ChrisMagnisaGeorge Emmanuellatridis bIntegrated reporting; Is it the last piece of the accounting disclosure puzzle?, 2017
21. Charl de Villiers, Umesh Sharma A critical reflection on the future of financial, intellectual capital, sustainability and integrated reporting, 2017.
22. Diogenis Baboukardos, Gunnar Rimmel; Value relevance of accounting information under an integrated reporting approach: A research note, 2016.
23. García-Sánchez Isabel-María Integrated Noguera-Gámez; Ligiá information and the cost of capital, 2017.
24. Philipp D. Schaberl, Lisa M. Victoravich; Reporting location and the value relevance of accounting information :The case of other comprehensive income, 2015
25. Richard Slacka, Ioannis TsalavoutasT; Integrated reporting decision usefulness: Mainstream equity market views, 2018
26. Warren Maroun; Assuring the integrated report: Insights and recommendations from auditors and preparers, 2018